

متن پرسش

جناب استاد سلام: طبق سوال ۲۴۰۵۰ فرمودید: (همه‌ی حکما علوم تجربی را غیر یقینی می‌دانند. به گفته‌ی ابن‌سینا، علوم تجربی «ظنون متراکمه» است یعنی به هر حال ما تجربه‌های مکرری را انجام می‌دهیم و بر اساس قاعده‌ی «حکم‌الامثال فی ما یجوز و لا یجوز واحد» به بقیه‌ی آن‌چه تجربه نکرده‌ایم، سرایت می‌دهیم. آری! آن حکم، یقینی است، ولی تجربه‌ی ما در هر حال بر اساس تکرارها به دست آمده است و این فرق می‌کند با آن نوع یقین عقلی که با استدلال حاصل می‌شود. موفق باشید) بنده متوجه نشدم آخر تجربه و علوم تجربی یقینی هست یا خیر؟ شما می‌فرمایید حکما می‌گویند علوم تجربی غیر یقینی است در صورتی که در همان جواب چند خط پایین تر می‌فرمایید آن حکم یقینیست، این‌جور که بنده متوجه شده‌ام حکما فقط یقین عقلی که استدلالی باشد را یقین میدانند و تجربه که یقینی باشد را یقین نمیدانند، در صورتی که همان بسط دادن یک یا چند امر تجربی مشابه به دیگر همانند های تجربه نشده نوعی استدلال عقلی هست با این توضیح که: قوانین طبیعت از گذشته تا به حال تخطی نشده و ثابت می‌باشد و پیشرفت علوم تجربی هم به دلیل همین ثبوت قوانین طبیعت می‌باشد و چون این عالم درارای نظم سازمان یافته هست پس خالق حکیم و مقتدر دارد و چون حضرت حق عین احدیت است یعنی همه‌ی صفات او در یگانگی مطلق و ثبات هستند و نظم یعنی یگانگی بین اعضاء، و چون عالم تجلی نور احدیت حضرت حق است در ذات خود عین نظم و ثبات است و مخلوقیت و منظم‌بودن عالم یکی است پس میتوان به راحتی به قوانین طبیعت و تجربه یقین پیدا کرد و آن را بسط داد چون قوانین طبیعت ثابت است و تا این دنیا موجود هست این ثبات هم هست چون این عالم تجلی نور ذات حضرت حق می‌باشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: باز برگشتیم به اول قضیه!! که عرض شد در هر تجربه‌ای قیاسی خفی وجود دارد. بحث در یقینی‌بودن آن قیاس است که همان «حکم‌الامثال فی ما یجوز و لا یجوز واحد» می‌باشد و نه یقینی‌بودن علوم تجربی که بر اساس «ظنون متراکمه» نوعی اطمینان برای انسان به وجود می‌آورد بدون آن‌که مثل قضایای استدلالی، یقینی باشد. موفق باشید